

مَثَل قاضی نادرست

¹ و برای ایشان نیز مَثَلی آورد در اینکه می باید همیشه دعا کرد و کاهلی نورزید، پس گفت که: در شهری داوری بود که نه ترس از خدا و نه باکی از انسان می داشت.³ و در همان شهر بیوه زنی بود که پیش وی آمده می گفت: داد مرا از دشمنم بگیر. و تا مدتی بهوی اعتنا ننمود؛ و لکن بعد از آن با خود گفت: هر چند از خدا نمی ترسم و از مردم باکی ندارم،⁵ لیکن چون این بیوه زن مرا زحمت می دهد، به داد او می رسم، مبدا پیوسته آمده، مرا به رنج آورد.⁶ خداوند گفت: بشنوید که این داور بی انصاف چه می گوید؟⁷ و آیا خدا برگزیدگان خود را که شبانه روز بدو استغاثه می کنند، دادرسی نخواهد کرد، اگرچه برای ایشان دیر غضب باشد؟⁸ به شما می گویم که: به زودی دادرسی ایشان را خواهد کرد. لیکن چون پسر انسان آید، آیا ایمان را بر زمین خواهد یافت؟

مَثَل یک فریسی و یک باجگیر

⁹ و این مَثَل را آورد برای بعضی که بر خود اعتماد می داشتند که عادل بودند و دیگران را حقیر می شمردند: که دو نفر یکی فریسی و دیگری باجگیر به معبد رفتند تا عبادت کنند.¹¹ آن فریسی ایستاده، بدینطور با خود دعا کرد که: خدایا، تو را شکر می کنم که مثل سایر مردم، حریص و ظالم و زناکار نیستم و نه مثل این باجگیر.¹² هر هفته دو مرتبه روزه می دارم و از آنچه پیدا می کنم، ده یک می دهم.¹³ اما آن باجگیر دور ایستاده، نخواست چشمان خود را به سوی آسمان بلند کند بلکه به سینه خود زده گفت: خدایا، بر من گناهکار ترجم فرما.¹⁴ به شما می گویم که: این شخص عادل کرده شده به خانه خود رفت به خلاف آن دیگر، زیرا هر که خود را برافرازد، پست گردد و هرکس خویش را فروتن سازد، سرافرازی یابد.

عیسی کودکان را برکت می دهد

¹⁵ پس اطفال را نیز نزد وی آوردند تا دست بر ایشان گذارد. اما شاگردانش چون دیدند، ایشان را نهیب دادند.¹⁶ ولی عیسی ایشان را خوانده، گفت: بچه ها را واگذارید تا نزد من آیند و ایشان را ممانعت نکنید، زیرا ملکوت خدا برای مثل اینها است.¹⁷ هر آینه به شما می گویم هر که ملکوت خدا را مثل طفل نپذیرد، داخل آن نگردد.

مثل قاضی الظلم

¹ وَقَالَ لَهُمْ أَيضاً مَثَلًا فِي أَنَّهُ يَتَّبِعِي أَنْ يُصَلِّيَ كُلَّ حِينٍ وَلَا يُعَلِّقَ قَائِلًا: كَانَ فِي مَدِينَةٍ قَاضٍ لَا يَخَافُ اللَّهَ وَلَا يَهَابُ إِنْسَانًا. وَكَانَ فِي تِلْكَ الْمَدِينَةِ أَرْمَلَةٌ، وَكَانَتْ تَأْتِي إِلَيْهِ قَائِلَةً: أَنْصِفْنِي مِنْ حَصْمِي. وَكَانَ لَا يَسْأَلُ إِلَى رَمَانٍ، وَلَكِنْ بَعْدَ ذَلِكَ قَالَ فِي نَفْسِهِ: وَإِنْ كُنْتُ لَا أَخَافُ اللَّهَ وَلَا أَهَابُ إِنْسَانًا، فَإِنِّي لِأَجْلِ أَنَّ هَذِهِ الْأَرْمَلَةَ تُرْعِجُنِي أَنْصِفُهَا، لِئَلَّا تَأْتِيَ دَائِمًا فَتَقَمَّعَنِي. وَقَالَ الرَّبُّ: اسْمَعُوا مَا يَقُولُ قَاضِي الظُّلَمِ. أَفَلَا يُنْصِفُ اللَّهُ مُخْتَارِيهِ الصَّارِحِينَ إِلَيْهِ تَهَارًا وَلَيْلًا وَهُوَ مُتَمَهِّلٌ عَلَيْهِمْ؟ أَقُولُ لَكُمْ: إِنَّهُ يُنْصِفُهُمْ سَرِيعًا، وَلَكِنْ مَتَى جَاءَ ابْنُ الْإِنْسَانِ أَلَعَلَّهُ يَجِدُ الْإِيمَانَ عَلَى الْأَرْضِ؟

مثل الفريسي والعشار

⁹ وَقَالَ لِقَوْمٍ وَانْفِينَ أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ أَبْرَارٌ وَيَتَخَقَّرُونَ الْآخَرِينَ هَذَا الْمَثَلُ: ¹⁰ إِنْسَانَانِ صَعِدَا إِلَى الْهَيْكَلِ لِيُصَلِّيَا، وَاحِدٌ فَرِيسِيٌّ وَالْآخَرُ عَشَّارٌ. ¹¹ أَمَّا الْفَرِيسِيُّ فَوَقَفَ يُصَلِّي فِي نَفْسِهِ هَكَذَا: اَللّهُمَّ، أَنَا أَشْكُرُكَ أَنِّي لَسْتُ مِثْلَ بَاقِي النَّاسِ: الْخَاطِفِينَ، الظَّالِمِينَ، الزُّنَاةَ، وَلَا مِثْلَ هَذَا الْعَشَّارِ. ¹² أَصُومُ مَرَّتَيْنِ فِي الْأُسْبُوعِ وَأَعْشُرُ كُلَّ مَا أَقْتَنِيهِ. وَأَمَّا الْعَشَّارُ فَوَقَفَ مِنْ بَعِيدٍ لَا يَسْأَلُ أَنْ يَرْفَعَ عَيْنَيْهِ تَحَوُّ السَّمَاءِ بَلْ قَرَعَ عَلَى صَدْرِهِ قَائِلًا: اَللّهُمَّ ارْحَمْنِي، أَنَا الْخَاطِئُ. ¹⁴ أَقُولُ لَكُمْ: إِنَّ هَذَا تَرَلَّ إِلَى بَيْتِهِ مُبَرَّرًا دُونَ ذَلِكَ، لِأَنَّ كُلَّ مَنْ يَرْفَعُ نَفْسَهُ يَتَضَعُ وَمَنْ يَضَعُ نَفْسَهُ يَرْتَفِعُ.

يسوع يبارك الأطفال

¹⁵ فَقَدَّمُوا إِلَيْهِ الْأَطْفَالَ أَيضًا لِيَلْمَسَهُمْ، فَلَمَّا رَأَاهُمُ الْبَلَامِيمُ انْتَهَزُوهُمْ. ¹⁶ أَمَّا يَسُوعُ فَدَعَاهُمْ وَقَالَ: دَعُوا الْأَوْلَادَ يَأْتُوا إِلَيَّ وَلَا تَمْنَعُوهُمْ، لِأَنَّ لِمِثْلِ هَؤُلَاءِ مَلَكُوتُ اللَّهِ. ¹⁷ الْحَقُّ أَقُولُ لَكُمْ: مَنْ لَا يَقْبَلُ مَلَكُوتَ اللَّهِ مِثْلَ وَلَدٍ قَلْبًا يَدْخُلُهُ.

الحياة الأبدية وعثرة الغنى

¹⁸ وَسَأَلَهُ رَئِيسٌ قَائِلًا: أَيُّهَا الْمُعَلِّمُ الصَّالِحُ، مَاذَا أَفْعَلُ لِأَرْتِ الْحَيَاةَ الْآبَدِيَّةَ؟ ¹⁹ فَقَالَ لَهُ يَسُوعُ: لِمَاذَا تَدْعُونِي صَالِحًا؟ لَيْسَ أَحَدٌ صَالِحًا إِلَّا وَاحِدٌ، وَهُوَ اللَّهُ. ²⁰ أَنْتَ تَعْرِفُ الْوَصَايَا: لَا زَنَ، لَا تَقْتُلْ، لَا تَسْرِقْ، لَا تَشْهَدْ بِالزُّورِ، أَكْرَمُ أَبَاكَ وَأُمَّكَ، ²¹ فَقَالَ: هَذِهِ كُلُّهَا حَفِظْتُهَا مُنْذُ خَدَّائِي. ²² فَلَمَّا سَمِعَ يَسُوعُ ذَلِكَ قَالَ لَهُ: يَغُورُكَ أَيضًا شَيْءٌ، يَعْ كُلَّ مَا لَكَ وَوَزَّ عَلَى الْفُقَرَاءِ فَيَكُونُ لَكَ كَنْزٌ

حیات جاودانی و ثروتمند

¹⁸ و یکی از رؤسا از وی سؤال نموده، گفت: ای استاد، نیکو چه کنم تا حیات جاودانی را وارث گردم؟ عیسی وی را گفت: از بهر چه مرا نیکو می‌گویی و حال آنکه هیچ‌کس نیکو نیست جز یکی که خدا باشد.²⁰ احکام را می‌دانی: زنا مکن، قتل مکن، دزدی منما، شهادت دروغ مده و پدر و مادر خود را محترم دار.²¹ گفت: جمیع اینها را از طفولیت خود نگاه داشته‌ام.²² عیسی چون این را شنید، بدو گفت: هنوز تو را یک چیز باقی است. آنچه داری بفروش و به فقرا بده که در آسمان گنجی خواهی داشت؛ پس آمده مرا متابعت کن.²³ چون این را شنید محزون گشت، زیرا که دولت فراوان داشت.²⁴ اما عیسی چون او را محزون دید گفت: چه دشوار است که دولتمندان داخل ملکوت خدا شوند.²⁵ زیرا گذشتن شتر از سوراخ سوزن آسانتر است از دخول دولتمندی در ملکوت خدا.²⁶ اما شنوندگان گفتند: پس که می‌تواند نجات یابد؟²⁷ او گفت: آنچه نزد مردم محال است، نزد خدا ممکن است.

²⁸ پطرس گفت: اینک، ما همه چیز را ترک کرده، پیروی تو می‌کنیم.²⁹ به ایشان گفت: هراینه به شما می‌گویم: کسی نیست که خانه یا والدین یا زن یا برادران یا اولاد را بجهت ملکوت خدا ترک کند،³⁰ جز اینکه در این عالم چند برابر بیابد و در عالم آینده حیات جاودانی را.

سومین پیشگویی درباره مرگ و قیام عیسی

³¹ پس آن دوازده را برداشته، به ایشان گفت: اینک، به اورشلیم می‌رویم و آنچه به زبان انبیا درباره پسر انسان نوشته شده است، به انجام خواهد رسید.³² زیرا که او را به امت‌ها تسلیم می‌کنند و استهزا و بی‌حرمتی کرده، آب دهان بر وی انداخته،³³ و تازیانه زده، او را خواهند کشت و در روز سوم خواهد برخاست.³⁴ اما ایشان چیزی از این امور نفهمیدند و این سخن از ایشان مخفی داشته شد و آنچه می‌گفت، درک نکردند.

شفای یک کور توسط عیسی

³⁵ و چون نزدیک اریحا رسید، کوری بجهت گدایی بر سر راه نشسته بود.³⁶ و چون صدای گروهی را که می‌گذشتند شنید، پرسید، چه چیز است؟³⁷ گفتندش، عیسی ناصری درگذر است.³⁸ در حال

فی السَّمَاءِ وَتَعَالَی ابْنَعْنِی. ²³ فَلَمَّا سَمِعَ ذَلِكَ خَرَّ لَأَنَّهُ كَانَ غَنِيًّا جِدًّا. ²⁴ فَلَمَّا رَأَى يَسُوعُ قَدْ خَرَّ قَالَ: مَا أَعْسَرَ دُحُولَ دَوِي الْأَمْوَالِ إِلَى مَلَكُوتِ اللَّهِ. ²⁵ لِأَنَّ دُحُولَ جَمَلٍ مِنْ ثَقَبٍ إِثْرَةٌ أَيْسَرُ مِنْ أَنْ يَدْخُلَ غَنِيٌّ إِلَى مَلَكُوتِ اللَّهِ. ²⁶ فَقَالَ الَّذِينَ سَمِعُوا: قَمَنْ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَخْلُصَ؟ فَقَالَ: غَيْرُ الْمُسْتَطَاعِ عِنْدَ النَّاسِ مُسْتَطَاعٌ عِنْدَ اللَّهِ.

²⁸ فَقَالَ پَطْرُسُ: هَا تَخْرُ قَدْ تَرَكْنَا كُلَّ شَيْءٍ وَتَبِعْنَاكَ. ²⁹ فَقَالَ لَهُمْ: الْحَقُّ أَقُولُ لَكُمْ: إِنْ لَيْسَ أَحَدٌ تَرَكَ بَيْتًا أَوْ وَالِدَيْنِ أَوْ إِخْوَةً أَوْ امْرَأَةً أَوْ أَوْلَادًا مِنْ أَجْلِ مَلَكُوتِ اللَّهِ إِلَّا وَبِأَخْذٍ فِي هَذَا الزَّمَانِ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَفِي الدَّهْرِ الْآتِي الْحَيَاةَ الْآبَدِيَّةَ.

یسوع بنیئ بموته و قیامتہ مرّة ثالثہ

³¹ وَأَخَذَ الْإِسْنَى عَسَرَ وَقَالَ لَهُمْ: هَا تَخْرُ صَاعِدُونَ إِلَى أُورُشَلِيمَ وَتَسِيْمُ كُلُّ مَا هُوَ مَكْتُوبٌ بِالْأَنْبِيَاءِ عَنْ ابْنِ الْإِنْسَانِ. ³² لِأَنَّهُ يُسَلَّمُ إِلَى الْأَمَمِ وَتُسْتَهْرَأُ بِهِ وَتُسْتَمُّ وَتُقْلَعُ عَلَيْهِ وَتَجْلِدُونَهُ وَتَقْتُلُونَهُ وَفِي الْيَوْمِ الثَّلَاثِ يَقُومُ. ³⁴ وَأَمَّا هُمْ فَلَمْ يَفْهَمُوا مِنْ ذَلِكَ شَيْئًا وَكَانَ هَذَا الْأَمْرُ مُخْفًى عَنْهُمْ، وَلَمْ يَعْلَمُوا مَا قِيلَ.

یسوع یشفی الکفیف فی اریحا

³⁵ وَلَمَّا اقْتَرَبَ مِنْ أَرِيحَا كَانَ أَعْمَى جَالِسًا عَلَى الطَّرِيقِ يَسْتَغْطِي. ³⁶ فَلَمَّا سَمِعَ الْجَمْعَ مُجْتَازًا سَأَلَ مَا عَسَى أَنْ يَكُونَ هَذَا. ³⁷ فَأَخْبَرُوهُ أَنَّ يَسُوعَ النَّاصِرِيَّ مُجْتَازٌ. ³⁸ فَصَرَخَ قَائِلًا: يَا يَسُوعُ، ارْحَمْنِي. ³⁹ فَانْتَهَرَهُ الْمُتَقَدِّمُونَ لِيَسْكُتَ، أَمَّا هُوَ فَصَرَخَ أَكْثَرَ كَثِيرًا: يَا ابْنَ دَاوُدَ، ارْحَمْنِي. ⁴⁰ فَوَقَفَ يَسُوعُ وَأَمَرَ أَنْ يُقَدَّمَ إِلَيْهِ، وَلَمَّا اقْتَرَبَ سَأَلَهُ قَائِلًا: مَاذَا تُرِيدُ أَنْ أَفْعَلَ بِكَ؟ فَقَالَ: يَا سَيِّدُ، أَنْ أَبْصِرَ. ⁴² فَقَالَ لَهُ يَسُوعُ: أَبْصِرْ، إِيْمَانُكَ قَدْ شَفَاكَ. ⁴³ وَفِي الْحَالِ أَبْصَرَ وَتَبِعَهُ وَهُوَ يُمَجِّدُ اللَّهَ. وَجَمِيعُ الشَّعْبِ إِذْ رَأَوْا سَبَّحُوا اللَّهَ.

فریاد برآورده گفت: ای عیسی، ای پسر داود، بر من ترخم فرما.³⁹ و هرچند آنانی که پیش می‌رفتند، او را نهیب می‌دادند تا خاموش‌شود، او بلندتر فریاد میزد که: پسر داودا، بر من ترحم فرما.⁴⁰ آنگاه عیسی ایستاده، فرمود تا او را نزد وی بیاورند. و چون نزدیک شد از وی پرسیده،⁴¹ گفت: چه می‌خواهی برای تو بکنم؟ عرض کرد: ای خداوند، تا بینا شوم.⁴² عیسی به وی گفت: بینا شو که ایمانت تو را شفا داده است.⁴³ در ساعت بینایی یافته، خدا را تمجید کنان از عقب او افتاد و جمیع مردم چون این را دیدند، خدا را تسبیح خواندند.